

پژوهش‌نامه کاشان، شماره دهم (پیاپی ۱۸)
بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۸۸-۱۰۷



بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای محراب گچ‌بری مسجد جامع کاشان

سیمین دخت عسگری*

چکیده:

محراب مسجد جامع کاشان از جمله محراب‌های گچ‌بری شاخص برجای مانده از دوران اسلامی است که در سیر تطور مسجد جامع کاشان و همچنین سیر هنر محراب‌های گچ‌بری دوران اسلامی به‌ویژه در ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. با وجود اهمیت تاریخی این محراب، تاکنون مطالعه جامعی روی آن انجام نشده است که شاید دلیل اصلی آن تخریب گسترده‌اش در دهه‌های اخیر باشد. در این پژوهش، نگارنده بر آن است تا با توجه به مستندات موجود، در گام نخست توصیف دقیقی از تمام جزئیات آن ارائه کند و سپس آن را بر اساس ویژگی‌های تزئینی و ساختاری تحلیل و در میان محراب‌های گچ‌بری دوران اسلامی، مورد ارزیابی قرار دهد. هر چند هدف این نوشتار ارائه تاریخ‌گذاری محراب مسجد جامع نیست، به بخشی از پیچیدگی‌های این مسئله پرداخته شده است. برای نیل به این اهداف، از روش توصیفی تحلیلی در بررسی این محراب استفاده شده است. ضرورت و اهمیت این پژوهش از آن جهت است که با وجود مطالعات انجام‌شده، همچنان توصیف و تحلیلی دقیق و جامع از محراب مسجد جامع کاشان انجام نشده است. بر این اساس در این پژوهش تلاش شده ضمن توصیف و تحلیل این محراب، مقایسه آن با دیگر محراب‌های گچ‌بری ایران انجام شود. با توجه به مطالعه انجام شده، می‌توان بیان کرد که محراب مسجد جامع کاشان از جهات گوناگون، از جمله محراب‌های گچ‌بری مهم دوران اسلامی است و درباره دوره زمانی آن، تنها می‌توان آن را در زمره محراب‌های مهم سده‌های ششم تا هشتم هجری به‌شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: محراب، مسجد جامع کاشان، کتیبه، تزئینات گچ‌بری.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دهم (پیاپی ۱۸)
بهار و تابستان ۱۳۹۶

* کارشناس ارشد باستان‌شناسی / simin.asgari@ut.ac.ir



•
•
•
•
•
•
•

مقدمه

مسجد جامع کاشان در میان مساجد دوران اسلامی، بنایی چشمگیر و قابل توجه است. براساس مناره و تاریخش (۴۶۶ق) این مسجد به دوره سلجوقی نسبت داده می‌شود. مناره آجری در زاویه جنوب شرقی مسجد قرار دارد. گنبدخانه در امتداد ایوان اصلی و عمود بر شبستان اصلی مسجد جامع قرار دارد. هسته اولیه و قدیمی‌ترین جزء بنا، شبستان اصلی آن است که درباره تاریخ دقیق آن ابهام وجود دارد. این شبستان در مجاورت گنبدخانه و ضلع شمالی مسجد با جهت شمالی جنوبی واقع است و دارای دو محراب گچ‌بری است که هر دو در ضلع غربی شبستان قرار دارند: یکی محراب گچ‌بری قدیمی و دیگری محراب دوره زندیه با تاریخ ۱۱۹۴ هجری قمری.

مسجد در طی قرون متمادی دچار خرابی‌های فراوانی شده، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل تخریب آن زلزله سال ۱۱۹۲ق در دوره زندیه است که هنگام مرمت، تغییر بسیار زیادی در ساختار بنا و تزیینات آن ایجاد شده و تقریباً شکل و شمایل اولیه مسجد، پس از این زلزله از بین رفته است. یکی از مهم‌ترین شواهد این تغییرات، محراب دوره زندیه با تاریخ دو سال پس از زلزله است. تعدادی از پژوهشگران گمان‌هایی درباره پیشینه تاریخی مسجد جامع کاشان تا دوره آل‌بویه و حتی بقایایی از آثار پیش از اسلام در محل مسجد فعلی را بیان کرده‌اند (ارجمندفر و زمانی‌فرد، ۱۳۸۰: ۲۵۲؛ بیرشک، ۱۳۷۴)، اما همچنان تردیدها و مجهولات فراوانی در مورد این مسجد وجود دارد. از مهم‌ترین عناصر این مسجد، محراب گچ‌بری شده شبستان اصلی آن است که در فرم و ساختار و سبک گچ‌بری قابل توجه است و بررسی آن می‌تواند در مطالعات مرتبط با مسجد جامع کاشان راهگشا باشد. این محراب در ضلع شمال غربی مسجد و بر دیوار غربی شبستان اصلی قرار گرفته است.

۱. پیشینه مطالعاتی و باستان‌شناختی محراب و مسجد جامع کاشان در متون

تاریخی و پژوهش‌های پیشین

اعتمادالسلطنه درباره مسجد جامع چنین می‌نویسد: «مسجدی که در کاشان به اسم جامع معروف است، شهرت دارد که صفیه‌خاتون دختر مالک اشتر آن را بنا کرده است. دو محراب دارد که قبله یکی کج و دیگری راست است و دارای شبستان و گنبد و حوضخانه است و چند بار مرمت شده است که تاریخ آن‌ها معلوم نیست» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۶). اوژن اوپن کولار^۱ در سفرنامه‌اش اشاره می‌کند: «مسجد جمعه که گچ‌کاری دست‌خورده محراب آن نشانه‌ای از نفوذ

اعراب بوده و در آستانه فروریختن است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۳۱). حسن نراقی این محراب را هم‌عصر با مناره مسجد (با تاریخ ۴۶۶ق) و متعلق به دوره سلجوقی می‌داند (نراقی، ۱۳۶۵: ۱۱۵). در سال ۱۳۶۹ عملیات باستان‌شناسی زیر نظر دکتر علی‌اصغر میرفتاح در شبستان زیرین مسجد انجام شده، اما متأسفانه تاکنون هیچ گزارشی از آن منتشر نشده و تنها اطلاعات موجود از این کاوش اشاره به وجود کوره‌های سفالگری از قرون ۵ و ۶ هجری است (حیدری، ۱۳۸۲: ۴۳). گروهی نیز در سال ۱۳۷۷ به سرپرستی مرحوم دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی روی مجموعه فرهنگی مسجدجامع کاشان تحقیقاتی داشته‌اند، اما متأسفانه انتشارات این پروژه نیز محدود می‌شود به مقاله‌ای از دو تن از اعضای این تیم تحقیقاتی که درخصوص مناره مسجدجامع کاشان در مجموعه مقالات دومین دوره کنگره بم منتشر شده (ارجمندفر و زمانی‌فرد، ۱۳۸۰: ۲۶۸-۲۴۷). همچنین در جدیدترین پژوهش‌ها مانند گزارش طرح مرمت و باززنده‌سازی مسجد نیز اشاره می‌شود که این محراب را از لحاظ ظاهری می‌توان با محراب‌های دوره سلجوقی شبیه دانست، اما از نظر فن ساخت و تزیینات بی‌شابهت به محراب‌های ایلخانی نیست (عادل و کلایه، ۱۳۸۷: ۱۳۹). در سال ۱۳۹۴ نیز رساله‌ای با عنوان «باستان‌سنجی محراب گچ‌بری ضلع غربی شبستان شمالی، مجموعه فرهنگی مسجدجامع کاشان» منتشر شده است و زمان ساخت محراب گچ‌بری را با نمونه‌برداری از یک آجر از این قسمت و سالیابی به روش ترمولومینسانس، 20 ± 550 سال قبل، یعنی مربوط به دوره تیموری دانسته‌اند (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۶۴).

۲. توصیف محراب

مسجدجامع کاشان دو محراب دارد که محراب موردبررسی در این مقاله، قدیمی‌تر محسوب می‌شود که در حال حاضر بخش گسترده‌ای از آن تخریب شده است (تصویر ۲). علت و زمان تخریب این محراب، روشن نیست اما براساس عکسی که هانری ویوله در سال ۱۳۲۰ خورشیدی از این محراب انداخته (تصویر ۱)، بخش گسترده‌ای از این محراب تا این تاریخ سالم بوده و قاعدتاً عمده تخریبات پس از آن انجام شده است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد آن است که سقف شبستان اصلی مسجد براساس شواهدی که در پشت‌بام قابل مشاهده است، در سده‌های پیشین بالاتر از سقف کنونی بوده است و احتمالاً در دوره زندیه در جریان مرمت و ساخت‌وسازهای پس از زلزله ۲ با پایین آوردن سقف مسجد، طاق را روی بخش بالایی محراب سوار کرده‌اند و بدین ترتیب بخشی از محراب در پشت‌بام مسجد قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۹ در جریان عملیات مرمت پشت‌بام مسجد از سوی اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کاشان، این بخش

به صورت تصادفی آشکار شد. در همین زمان کارشناسان مرمت این بخش را پیگیری و مستندنگاری کردند و سپس دوباره آن را پر کرده و در حال حاضر تنها اطلاعات موجود از این بخش محراب، گزارشی منضم به تصاویر و طرح‌های برداشت‌شده از این بخش است. براساس آنچه گفته شد، توصیف محراب مسجدجامع کاشان در این مقاله مبتنی بر موارد زیر است:

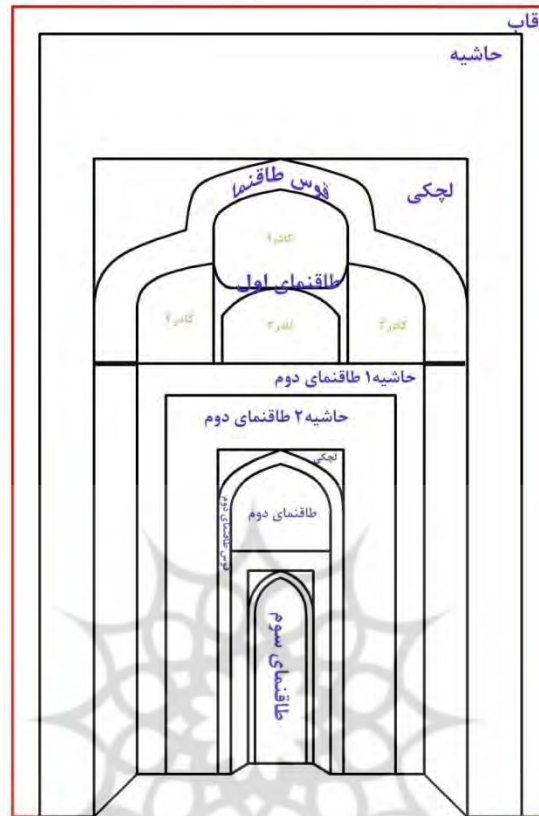
۱. مشاهدات و مستندنگاری‌های نگارنده؛
۲. عکس هانری ویوله از محراب در سال ۱۳۲۰ خورشیدی؛
۳. تصاویر پروژه مرمت مسجدجامع از پشت‌بام مسجد (۱۳۸۹ خورشیدی).



شکل ۱: عکس هانری ویوله ۱۳۲۰ (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۲۱) شکل ۲: وضعیت فعلی محراب (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۷)

۳. اجزا و بخش‌های گوناگون محراب

محراب مسجدجامع کاشان با ارتفاع شش متر، از جمله محراب‌های گچ‌بری مرتفع در ایران به‌شمار می‌آید. جهت این محراب نیز صحیح نیست. بخش‌های گوناگون این محراب به تفکیک در طرح شماره ۱ آمده است. این محراب دارای سه طاق‌نماست که هر طاق‌نما، حاشیه و قوس طاق‌نمای مختص به خود را دارد. طاق‌نمای میانی، دو حاشیه دارد. ویژگی مشترک هر سه طاق‌نمای محراب آن است که با یک تورفتگی از پیرامون خود متمایز شده است. برای توصیف دقیق‌تر، محراب را در سه بخش و براساس سه طاق‌نمای آن معرفی خواهیم کرد.



طرح ۱: محراب مسجد جامع کاشان به تفکیک بخش‌ها (طرح اولیه: یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۹)

۱-۳. طاقنمای اول

بخش بالایی و جوانب طاقنمای اول را حاشیة محراب در بر گرفته است. بخش داخلی آن شامل لچکی‌ها، قوس طاقنما و طاقنمای اصلی است. طاقنمای اصلی، چهار کادر با تزئینات متفاوت دارد. حاشیة اول که عریض‌ترین حاشیة این محراب است، مزین به کتیبه کوفی گره‌دار است. آثار این حاشیه در داخل مسجد، به جز قسمت کمی زیر تیزه طاق مسجد، تقریباً از بین رفته است. خوشبختانه در قسمت پشت‌بام، بخشی از این حاشیه بدون تخریب مانده است. طاق مسجد در پشت‌بام، بخش مرکزی این حاشیه را پوشانده و تنها بخش‌هایی از گوشه سمت راست و چپ حاشیه باقی مانده است. به دلیل ریختگی گوشه سمت راست تنها بخشی از کتیبه آن باقی مانده است. واژه‌های قابل تشخیص این بخش عبارت است از: عبارت «انی... فکو» در سمت راست (شکل ۳)، «العمر حسبانا» در سمت چپ (طرح شماره ۲). بخش مرکزی این کتیبه در داخل

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دهم (پیاپی ۱۸)
بهار و تابستان ۱۳۹۶

مسجد تقریباً از بین رفته و تنها واژه قابل شناسایی، «صبا»ست (شکل ۴). در تطابق این کلمات با آیات قرآن به نظر نگارنده مقاله کتیبه، آیه ۹۵ و ۹۶ سوره انعام است که متن آن از این قرار است: «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَى مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَى ذَلِكَمُ اللَّهُ فَالِقُ تُوْفِكُونُ» * فالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ».

براساس تصاویر کتیبه حاشیه شماره ۱ مجموعه‌ای از گره‌های منظم و تکرارشونده هستند و با نقوش گیاهی (برگ)، فاصله بین گره‌های هندسی پر شده‌اند (شکل ۵). نکته قابل توجه درباره این حاشیه آن است که در برخی نقاط، بقایای رنگ آبی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد تمام سطح حاشیه را پوشش می‌داده است (تصاویر ۳ و ۴). براساس عکس و یوله، این حاشیه در دو جانب عمودی راست و چپ محراب (در داخل مسجد) هم وجود داشته که بقایای آن تقریباً همسطح با حاشیه طاق‌نمای سوم شروع و تمام می‌شود. در این عکس، پایه‌های دو سوی این حاشیه تخریب شده است.



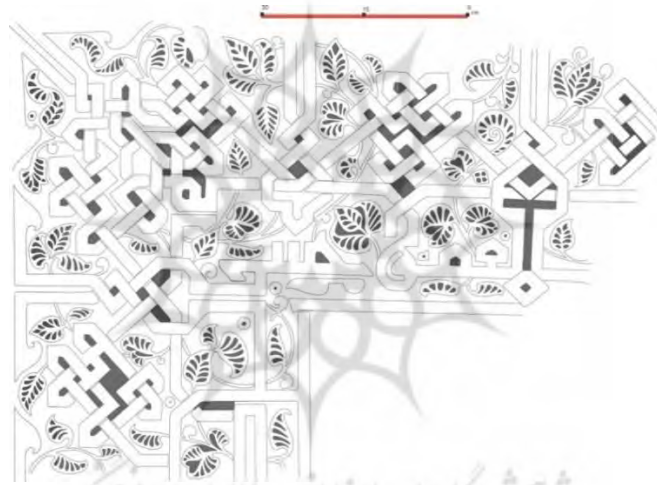
شکل ۳: سمت راست حاشیه طاق‌نمای اول محراب شبستان اصلی (آرشیو اداره میراث فرهنگی کاشان)



شکل ۴: تنها بخش باقی‌مانده کتیبه کوفی حاشیه اول طاق نما در داخل مسجد که کلمه «صبا» در آن مشخص شده است (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۳۱).



شکل ۵: سمت چپ کتیبه کوفی حاشیه طاق‌نمای اول در پشت‌بام (آرشیو اداره میراث‌فرهنگی کاشان)



طرح ۲: سمت چپ کتیبه کوفی حاشیه طاق‌نمای اول در پشت‌بام (آرشیو اداره میراث‌فرهنگی کاشان)

در حال حاضر، طاق مسجد هر دو گوشه لچکی محراب را پنهان کرده و تنها بخش کمی از لچکی سمت راست محراب سالم مانده است. این لچکی دارای مجموعه‌ای از نقوش اسلیمی آژیده‌کاری‌شده^۳ است. زمینه این نقوش رنگ قرمز متمایل به نارنجی دارد. براساس عکس و یوله، هر دو لچکی در زمان بازدید وی کاملاً سالم بوده است (شکل ۱).

ویژگی منحصر‌بفرد محراب مسجد جامع کاشان به نسبت دیگر محراب‌های گچ‌بری دوره سلجوقی و ایلخانی، طاق‌نما و قوس طاق‌نمای سه‌وجهی^۴ آن است که نمای خاصی به این محراب داده است. قوس طاق‌نمای اصلی، دقیقاً همسطح با نوار بالایی حاشیه طاق‌نمای دوم آغاز

و پایان می‌یابد. این قوس به شکل منحنی و تورفته است و مزین به کتیبه‌ای به خط ثلث است که آیه ۹ سوره جمعه را بازمی‌نماید (شکل ۶): «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.»

این کتیبه با هوشمندی، به شکلی طراحی شده که عبارت «لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» دقیقاً در تیزه قوس طاق‌نما خودنمایی می‌کند که همین مسئله مؤید اهمیت این محراب در برگزاری نماز جمعه و به صورت کلی‌تر، مسجدجامع بودن این مسجد است. زمینه این کتیبه کاملاً با نقوش گیاهی پر شده است و بقایای رنگ آبی نیز در زمینه دیده می‌شود.

طاق‌نمای اول طاق‌نمای اصلی محراب مسجدجامع است و همان‌گونه که در طرح ۱ مشخص است، به چهار بخش جداگانه تقسیم شده که در هر بخش نقوش اسلیمی متفاوتی کار شده است که فقط بخش ۲ و ۴ قرینه یکدیگرند. این طاق‌نما تورفتگی عمیق‌تری دارد که جلوه آن را بیشتر کرده است. در حال حاضر، فقط قسمت‌هایی از کادر ۲ و ۴ باقی مانده که تزیینات آژیده‌کاری در هر دو بخش آشکار است. بخش بسیار کوچکی از کادر ۱ نیز باقی مانده که از همین مقدار کم آشکار است که نقوش این بخش درشت‌تر و برجسته‌تر از کادر ۲ و ۴ است که از روی عکس و یوله هم قابل تشخیص است (شکل ۱). مشخصه دیگری که در عکس و یوله قابل مشاهده است آن است که برخلاف کادر ۱، نقوش کادر ۳ بسیار ظریف طراحی شده که این امر بر زیبایی و نمود این طاق‌نما افزوده است. حدفاصل این ۴ کادر نیز با نقوشی بسیار ریزی که در تصاویر قابل تشخیص نیست، تزیین شده بوده‌اند.

بخش‌های بعد شامل دو قاب قائم بر حاشیه اول طاق‌نمای دوم هستند. دقیقاً هم‌سطح با حاشیه اول طاق‌نمای دوم، قابی قائم بر این حاشیه وجود دارد که تا کف محراب ادامه دارد. در حال حاضر، فقط بخش بالایی هر دو قاب باقی مانده که مزین به نقوش گیاهی آژیده‌کاری شده است که با نقوش گیاهی ظریف‌تر درهم‌تنیده احاطه شده است. این بخش در عکس و یوله مشخص نیست (شکل ۱).

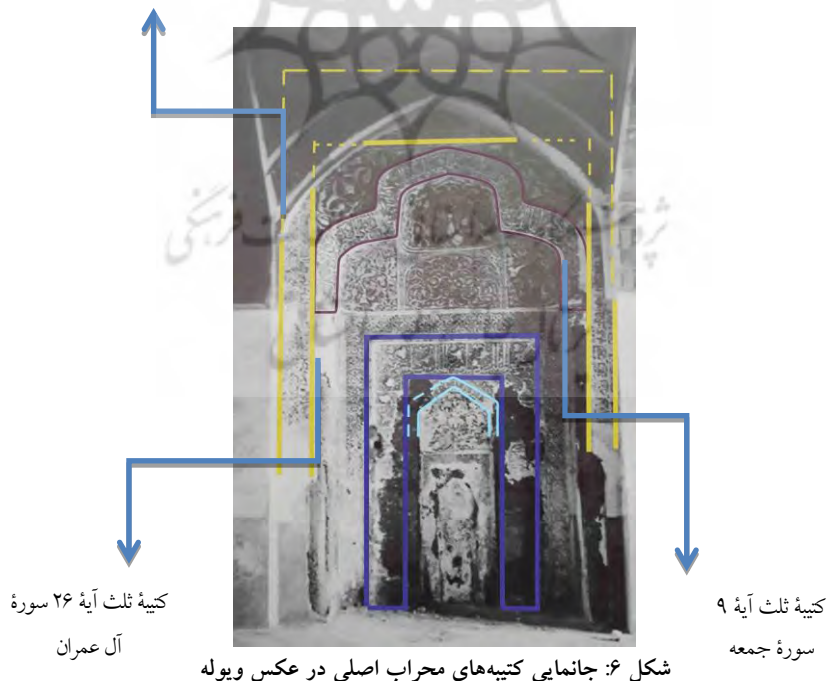
۲-۳. طاق‌نمای دوم

حاشیه اول طاق‌نمای دوم شامل تکرار یک نقش گیاهی-هندسی است که در حال حاضر، فقط بخشی از دو زاویه بالایی آن سالم مانده (شکل ۱۲) اما براساس عکس و یوله همین نقش باقی‌مانده در تمام این حاشیه تکرار می‌شود. درون و بیرون این قاب تکرار شونده، مجموعه‌ای از نقوش گیاهی درهم‌تنیده شده وجود دارد که جزئیات این نقوش در (شکل ۱۲) نمایش داده شده

است. در بقایای امروزی این حاشیه، آثاری از رنگ آبی در زمینه نقوش دیده می‌شود. این رنگ دقیقاً همسان با رنگی است که در قوس طاق‌نمای ۱ توصیف شد.

در ادامه حاشیه دوم، طاق‌نمای دوم را داریم که امروزه از این حاشیه، تنها یک قاب بیرونی برجسته باقی مانده و سایر قسمت‌ها تقریباً از بین رفته است. براساس عکس و یوله (شکل ۱) این حاشیه مورد بیشترین دستبرد و تخریب قرار گرفته است. پایه‌های این حاشیه کاملاً تخریب شده بوده که آسیب‌ها از نظر عمق، بسیار شدیدتر از بخش‌های دیگر است. حتی در این عکس، نشانه‌ای از یک سوراخ هم در سمت چپ دیده می‌شود. باتوجه‌به اینکه به‌ویژه در تخریبات بخش پایینی، دقیقاً همین حاشیه تخریب شده و آسیب‌های بخش‌های کناری (به‌ویژه حاشیه طاق‌نمای ۳) بسیار سطحی‌تر و محدودترند، به‌نظر می‌رسد تخریب این بخش تعمدی و احتمالاً با هدف خاصی انجام شده است. این حاشیه مزین به نقوش گیاهی بوده که زمینه آن را در بر گرفته است (شکل ۶). همچنین مزین به یک کتیبه ثلاث بوده که موضوع آن آیه ۲۶ آل‌عمران است: «قُلْ اَللّٰهُمَّ مَلِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُدَلُّ مَن تَشَاءُ بِدِك الْخَيْرِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

کتیبه کوفی آیه ۹۵-۹۶ سوره انعام که بخشی از آن در پشت‌بام قرار دارد.



کتیبه ثلاث آیه ۲۶ سوره
آل عمران

کتیبه ثلاث آیه ۹
سوره جمعه

شکل ۶: جانمایی کتیبه‌های محراب اصلی در عکس و یوله

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دهم (پیاپی ۱۸)
بهار و تابستان ۱۳۹۶

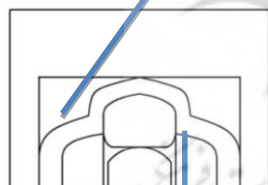
در شکل ۶ تمام کتیبه‌ها از هم تفکیک شده‌اند و بخش‌های خط‌چین بخش‌های فرضی بازسازی شده‌ای برای درک بهتر هستند که بخشی از آن‌ها را فقط در پشت‌بام شاهد هستیم. بخش‌های دیگر مانند لچکی و قوس طاق‌نما و طاق‌نمای دوم از بین رفته‌اند و مشخص نیستند. تنها براساس عکس و یوله (شکل ۱) می‌توان گفت قوس طاق‌نمای دوم نیز همچون قوس طاق‌نمای دیگر این محراب، کتیبه‌ای داشته که متن آن در عکس خوانا نیست، اما مشخص است به قلم کوفی بوده است.

۳-۳. طاق‌نمای سوم

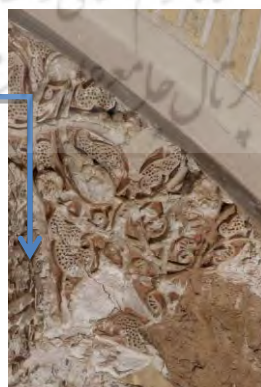
لچکی و قوس طاق‌نما و طاق‌نمای سوم کاملاً از بین رفته است. براساس عکس هانری و یوله، این قسمت در سال ۱۳۲۰ خورشیدی نیز کاملاً تخریب شده بوده است.



شکل ۷: بخشی از حاشیه طاق‌نمای اول که داخل مسجد قرار گرفته است (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۳۱).



طرح ۳: طاق‌نمای اول (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۳۳)



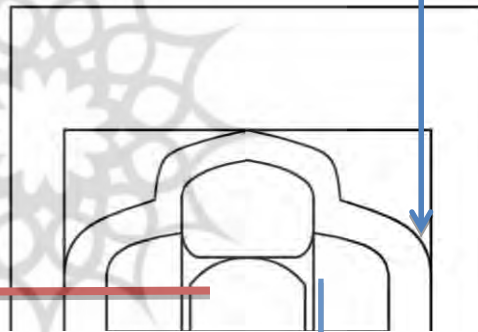
شکل ۸: تزئینات آژیده‌کاری لچکی‌ها (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۸)



شکل ۹: حاشیة طاق سه‌وجهی با آیه ۹ سورہ جمعہ (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۸)



شکل ۱۰. تزیینات قاب
شماره ۳ (عکس: نگارنده)



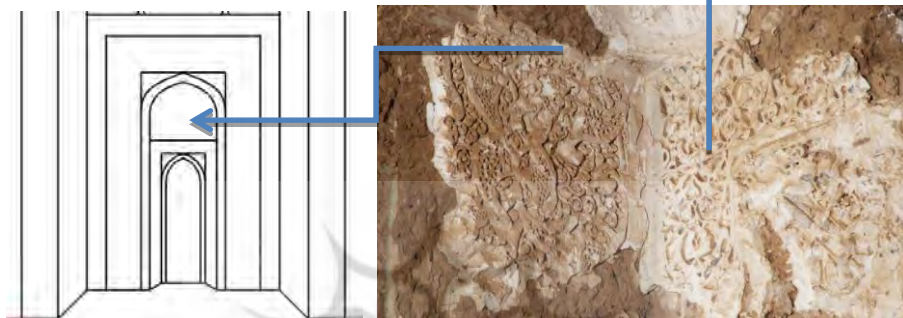
طرح ۴: طاق‌نمای اول (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۳۳)



شکل ۱۱: تزیینات قاب شماره ۲ (عکس: نگارنده)



شکل ۱۲: حاشیة اول طاق‌نمای سوم (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۸)



طرح ۵ (راست): نمای طاق‌نمای سوم محراب و حاشیة اول و دوم (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۳۳)
 شکل ۱۳ (چپ): قاب طاق‌نمای سوم و تزئینات آژیده‌کاری (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۸)



شکل ۱۴: وضعیت کنونی طاق‌نمای سوم محراب (یونسی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۸)

۴. تحلیل و مقایسه محراب

به منظور تحلیل محراب، لازم است درباره سیر تحول و گسترش محراب‌های گچ‌بری از آغاز دوران اسلامی مقدمه‌ای بیان شود. لذا در ادامه، ضمن بیان این مبحث به بررسی محراب مسجد جامع کاشان و مقایسه آن با دیگر محراب‌های گچ‌بری پرداخته خواهد شد.

۱-۴. سیر محراب‌های گچ‌بری در دوران اسلامی

از سه سده اول دوران اسلامی، تعدادی محراب گچ‌بری به جا مانده و یا کشف شده که از نظر فرمی و تزئینی ساده هستند. محراب مسجد جامع فهرج (سجادی، ۱۳۷۵: ۶۷)، محراب مکشوف در تپه مدرسه نیشابور (Wilkinson, 1987: 78)، محراب مکشوف در تپه ارگ ری (سجادی، ۱۳۷۵: ۷۶) و محراب مسجد عتیق شیراز (Pope, 1930: 1265)، به ترتیب از مهم‌ترین نمونه‌های ابتدایی محراب‌های گچ‌بری در ایران به‌شمار می‌روند. در سده چهارم و پنجم هجری قمری، نمونه‌هایی کامل‌تر و مزین‌تر همچون محراب مسجد جامع نایین (پوپ، ۱۳۳۸: ۸۲)، محراب مکشوف از قنات تپه نیشابور (Wilkinson, 1987: 267)، محراب مسجد جامع قروه (سجادی، ۱۳۷۵: ۹۰) و محراب‌های مسجد ملک کرمان (همان: ۹۴) را می‌توان نام برد.

اوج رواج محراب‌های گچ‌بری در ایران را می‌توان سده‌های ششم تا هشتم هجری دانست که بخش گسترده‌ای از آن‌ها در بخش مرکزی ایران به‌وجود آمده‌اند. محراب‌های گچ‌بری در این بازه زمانی، بسیار گسترده و گوناگون‌اند و نمی‌توان دسته‌بندی روشن و دقیقی از آن‌ها، هم از نظر فرم و هم تزئینات داشت. مشکل اصلی در تاریخ‌گذاری محراب‌ها دقیقاً در همین بازه نسبتاً طولانی است که پژوهشگران را با چالش روبه‌رو کرده است. محراب مسجد جامع نیریز (همان: ۱۲۱)، محراب مسجد جامع برسیان، محراب مسجد جامع گلپایگان و اردستان (صاحبی بزاز، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۳)، محراب مسجد میرنطنز (گذار، ۱۳۱۶: ۳۶-۳۷)، محراب اولجایتو مسجد جامع اصفهان، محراب گنبد علویان، محراب مقبره پیربکران، محراب مسجد جامع بسطام و محراب مسجد جامع ارومیه (شکفته، ۱۳۹۱: ۸۳) از شاخص‌ترین نمونه‌ها در سده‌های ششم تا هشتم هجری هستند. تعدادی از این محراب‌های گچ‌بری دارای تاریخ هستند؛ همچون جامع برسیان (۴۹۸ق)، جامع نیریز (۵۰۷ق)، جامع زواره (۵۳۰ و ۵۵۱ق)، امامزاده کرار بوزان (۵۲۸ق)، جامع ارومیه (۶۷۶ق) و جامع اصفهان (۷۱۰ق). اما در تاریخ‌گذاری تعداد زیادی از محراب‌های گچ‌بری، همچنان ابهام وجود دارد؛ مانند محراب میرنطنز، گنبد علویان، مسجد میان‌ده قمصر و مسجد هفت‌شویه.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دهم (پایه ۱۸)
بهار و تابستان ۱۳۹۶



•
•
•
•
•
•
•

تاکنون پژوهشگران بسیاری روی هنر گچ‌بری در دوران اسلامی کار کرده‌اند. تعدادی از این پژوهشگران تلاش کرده‌اند با دوره‌بندی زمانی هنر گچ‌بری و پیرو آن محراب‌های گچ‌بری به دو گروه سلجوقی و ایلخانی، ویژگی‌ها و تمایزهای اصلی آن‌ها را بیان کنند (شکفته، ۱۳۹۱: ۷۹-۹۸؛ سجادی، ۱۳۶۷: ۱۹۴-۲۱۴؛ حمیدی، ۱۳۹۰: ۸۳-۹۸). با وجود این به نظر نمی‌رسد تقسیم‌بندی محراب‌های گچی براساس دوره‌های سیاسی، شیوه‌درستی باشد. محراب‌های گچ‌بری به‌ویژه در سده‌های ششم تا هشتم هجری، در یک سیر هنری قرار داشته‌اند که می‌توان آن را اوج هنر گچ‌بری در ایران دانست و همان‌گونه که اشاره شد، تاریخ‌گذاری تعداد زیادی از محراب‌ها مبهم و نامشخص است. قطعاً برای بررسی سبک‌ها و دوره‌های محراب‌های گچ‌بری در گستره بناهای مذهبی ایران، ضرورت انجام دسته‌بندی دقیق و بررسی ویژگی‌های آن‌ها و البته تاریخ‌گذاری‌های مطلق وجود دارد. در حال حاضر، با وجود تلاش‌ها و مطالعات ارزشمند تعدادی از پژوهشگران، پژوهش‌های انجام‌شده فاقد انسجام و جامعیت و البته روش‌شناسی مطلوب است و براین‌اساس تحلیل و تاریخ‌گذاری نسبی محراب گچ‌بری مسجدجامع کاشان براساس مقایسه سبکی با دیگر محراب‌های گچ‌بری، تلاشی بیهوده و پراشکال خواهد بود. تخریب گسترده این محراب نیز راه را برای تحلیل و مقایسه آن دشوارتر می‌کند. با این مقدمه و با این آگاهی که احتمالاً هر تحلیلی با شرایط توصیف‌شده، می‌تواند همراه با اشکال باشد، بحث اصلی را آغاز می‌کنیم.

۲-۴. بررسی تحلیلی محراب و مقایسه آن با دیگر محراب‌های گچ‌بری

محراب مسجدجامع از چند جهت قابل بررسی است: کتیبه‌ها، تزیینات و فرم و پلان آن. براساس این سه فاکتور، نقاط قوت و ضعف و چالش‌های تاریخ‌گذاری در ادامه بحث خواهد شد: تزیینات و فرم و پلان.

۲-۴-۱. کتیبه‌های محراب

از مهم‌ترین شاخص‌های قابل بررسی در محراب‌های گچ‌بری، کتیبه‌هایی است که موضوع اغلب آن‌ها آیات قرآن است. از دیگر موضوعات این کتیبه‌ها، احادیث، صلوات، اسماء‌الله، شعارهای مذهبی، تاریخ ساخت محراب یا نام بانی آن و گاهی اوقات نیز اسامی بزرگان دین و وقف‌نامه هستند (صاحبی بزاز، ۱۳۸۹: ۸۶). محراب مسجدجامع کاشان چهار کتیبه داشته است که در حال حاضر، فقط بخش‌های کمی از دو کتیبه بالایی آن باقی مانده است. دو کتیبه کوفی و دو کتیبه ثلث به‌صورتی که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، در بخش‌های مختلف محراب وجود داشته است.

درخصوص کتیبه شماره ۴ نمی‌توان متن آن را براساس عکس و یوله خواند، اما آشکار است که خط آن کوفی است. سه کتیبه دیگر به ترتیب از این قرارند:

الف. آیه ۹۵ و ۹۶ سوره انعام به خط کوفی معقلی در حاشیه طاق‌نمای اول با موضوع توانایی و دانایی خداوند در آفرینش جهان.

ب. آیه ۹ سوره جمعه به خط ثلث در قوس طاق‌نمای اول با موضوع اهمیت برگزاری نماز

جمعه.

ج. آیه ۲۶ آل عمران به خط ثلث در حاشیه دوم طاق‌نمای سوم با موضوع مشیت الهی و

حکمت آن.

درباره ارتباط موضوع آیات با بنا و خود محراب تنها می‌توان درباره کتیبه قوس طاق‌نمای اول که درباره اهمیت برگزاری نماز جمعه است، اظهار نظر کرد. در طراحی محراب، این قوس با فرم سه‌وجهی و کتیبه آن، بیشترین نمود را برای مخاطب دارد. آیه ۹ سوره جمعه در این قوس طاق‌نما با هوشمندی هنرمند، به‌شکلی طراحی شده که عبارت «یوم الجمعة» دقیقاً در تیزه آن قرار گرفته و از بیشترین نمود برخوردار است. استفاده از این آیه در محراب مسجد و تأکید بر نمود آن با طراحی خاص، مؤید اهمیت این مسجد به عنوان مسجدجامع شهر است. آیه ۹ سوره جمعه در محراب مسجدجامع بسطام و محراب مسجدجامع ورامین نیز استفاده شده است که در هر دو نمونه نیز این آیه در طراحی محراب نمود زیادی دارد. نکته مهم درباره این دو مسجد آن است که هر دو، مسجدجامع شهر خود محسوب می‌شوند. به‌نظر می‌رسد استفاده از این آیه در محراب مسجد که مهم‌ترین عنصر مرتبط با مسئله نماز جماعت است، آگاهانه و نشانه‌ای برای اهمیت جامعیت مسجد است.

درخصوص دو کتیبه دیگر محراب مسجدجامع کاشان، باید گفت که از سوره انعام در هیچ‌کدام از محراب‌های گچ‌بری ایران استفاده نشده است؛ اما برعکس، سوره آل عمران یکی از سوره‌های بسیار پرکاربرد در محراب‌های گچ‌بری است که البته به شکل قابل‌تأملی در بیشتر آن‌ها از آیه ۱۸ و ۱۹ این سوره استفاده شده است. این نمونه‌ها در محراب‌های این بناها وجود دارند: مسجدجامع زواره: آیه ۱۸ به خط نسخ (صاحبی بزاز، ۱۳۸۹: ۷۵)، اردستان: آیه ۱۶ به ثلث (همان: ۷۴)، مدرسه حیدریه قزوین: آیه ۱۸-۱۹ به خط کوفی (همان: ۸۲)، امامزاده کرار یوزان: آیه ۱۸ به خط کوفی (همان: ۸۳)، ری: ۱۸ کوفی (همان: ۸۲) و هفت‌شویه: آیه ۱۸-۱۹ به خط ثلث (شکفته، ۱۳۹۴: ۱۱۰). تنها محرابی که دقیقاً از آیه ۲۶ آل عمران به خط ثلث در آن استفاده شده،

مسجد کرمانی تربت جام است (صالحی کاخکی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۳). تعلق مسجد جامع زواره، اردستان، حیدریه قزوین و امامزاده کرار بوزان به نیمه اول سده ششم هجری، گمان وجود سستی در استفاده از آیه ۱۶ تا ۱۸ سوره آل عمران در محراب‌های گچ‌بری این دوره را به وجود می‌آورد. کاربرد گسترده از کتیبه در یک محراب، مسئله‌ای قابل تأمل است. عاطفه شکفته، جلوه بیشتر کتیبه به عنوان عنصر تزیینی را از ویژگی‌های شاخص محراب‌های دوره ایلخانی دانسته است که آن را از سایر محراب‌های دوره‌های پیشین متمایز می‌کند (شکفته، ۱۳۹۱: ۸۶) اما به این گزاره، نقدی جدی وارد است چون در محراب‌هایی مانند محراب مسجد جامع زواره، اردستان، نیریز، گلپایگان، امامزاده کرار بوزان، مسجد ری و رباط نیشابور که از شاخص‌ترین نمونه‌های متعلق به دوره پیش از ایلخانی هستند، کتیبه عنصر اصلی تزیین محراب‌ها هستند. بنابراین وجود چهار کتیبه پرجلوه در محراب مسجد جامع کاشان که بخش اصلی تزیینات این محراب را شامل می‌شود، نمی‌تواند شاخصی برای تعیین دوره زمانی این محراب باشد.

درباره استفاده از اقلام گوناگون در کتیبه‌های محراب‌ها نیز باید اشاره کرد که عاطفه شکفته یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تشخیص محراب‌های ایلخانی را «استفاده از اقلام خط غیر کوفی» می‌داند (همان: ۸۶). هر چند استفاده از اقلام غیر کوفی در سده هفتم و هشتم هجری گسترده‌تر شد، در بسیاری از محراب‌های پیش از ایلخانی هم وجود دارد. باتوجه به آنکه محراب مسجد جامع کاشان دو کتیبه ثلث دارد که اتفاقاً بیشترین نمود را در محراب دارند، باید اشاره کرد که در محراب‌های مسجد جامع زواره، اردستان، قزوین، میان‌ده قمصر، مسجد ری، مدرسه حیدریه قزوین و گنبد علویان هم کتیبه‌های متعدد به قلم ثلث وجود دارد. محراب‌های مذکور یا قطعاً یا به احتمال زیاد، منسوب به پیش از دوره ایلخانی هستند. بنابراین استفاده از خط ثلث در مهم‌ترین بخش‌های محراب مسجد جامع کاشان نمی‌تواند مبنایی برای منسوب کردن این محراب به دوره‌ای مشخص باشد.

۲-۲-۴. تزیینات محراب

درباره تزیینات گچ‌بری محراب مسجد جامع کاشان باید گفت که انواع تزیینات در آن دیده می‌شود. از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین تزیینات، تزیینات آژیده‌کاری است که در بخش‌های مختلف محراب به کار رفته است. این شیوه هر چند از سده چهارم هجری رواج پیدا کرد، در سده هفتم و هشتم هجری، هم گسترده‌تر و هم پیچیده‌تر و منظم‌تر شد. آژیده‌کاری‌های محراب

مسجدجامع کاشان به‌ویژه در بقایای طاق‌نمای اول بسیار منظم و پرکار است و بیشتر شبیه به نمونه‌های سده هفتم و هشتم هجری، مانند محراب بقعه پیربکران و مسجد ارومیه است. از دیگر ویژگی‌های مهم تزیینی محراب مسجدجامع کاشان، وجود انواع رنگ‌ها در بخش‌های گوناگون آن است. باوجودآنکه بخش‌های باقی‌مانده از محراب گچ‌بری نخستین، بسیار محدود و مخدوش است، در بخش‌های گوناگون آثار رنگ‌های آبی، قرمز و نارنجی دیده می‌شود. از این رنگ‌ها در تمام بخش‌های باقی‌مانده در زمینه نقوش و کتیبه‌ها استفاده شده است و به‌نظر می‌رسد برای جلوۀ بیشتر نقوش و کتیبه‌ها به‌کار رفته است. رنگ‌آمیزی تزیینات گچی، پیش از دورۀ سلجوقیان رواج داشته و در این دوره، زمینه‌ها یا نقوش تزیینات گچ‌بری رنگ‌آمیزی شده‌اند. بیشترین رنگ مورد استفاده، رنگ لاجوردی برای زمینه بوده که به‌نظر می‌آید برای ایجاد عمق و جلوۀ بیشتر، از این رنگ استفاده می‌کرده‌اند. رنگ‌های دیگر مورد استفاده این دوره، فیروزه‌ای، سفید، نخودی و قرمز است که در گچ‌بری‌های مسجدجامع اردستان قابل مشاهده‌اند (همان: ۸۲). در دورۀ ایلخانی، استعمال رنگ در گچ‌بری گسترش پیدا کرد. در اکثر تزیینات گچی، برای تزیین در زمینه نقوش برجسته، از رنگ آبی لاجوردی مانند محراب امامزاده ربیع‌خاتون اشترجان (۷۰۸ هجری) استفاده شده است (همان: ۹۲). در بناهایی همچون امامزاده یحیی ورامین، مسجدجامع بسطام و گنبد سلطانیه نیز به‌وفور از تزیینات رنگی در گچ‌بری‌ها استفاده شده است. هرچند بخش‌های زیادی از محراب مسجدجامع کاشان دارای تزیینات رنگی است، با توجه به اینکه بیشتر محراب‌ها از سده پنجم تا پایان سده هشتم هجری مزین به انواع رنگ‌ها هستند، نمی‌توان براساس تزیینات رنگی این محراب را منسوب به دوره‌ای خاص دانست.

۳-۲-۴. پلان و فرم محراب

در این خصوص، مهم‌ترین شاخصه بصری محراب مسجدجامع کاشان که باعث تمایز آن از دیگر محراب‌های گچ‌بری می‌شود، فرم سه‌وجهی قوس طاق‌نمای اول آن است که با چارچوب‌ها و قاب‌های محراب‌های سده‌های ششم تا هشتم هجری کاملاً متفاوت است. این طرح سه‌وجهی را می‌توان تا حدودی با طرح موسوم به صدفی یا گشنیزی محراب‌های سده‌های ابتدایی دوران اسلامی قابل مقایسه دانست. از مهم‌ترین نمونه محراب‌های صدفی یا گشنیزی، محراب مسجد فهرج (سده اول هجری)، محراب مسجد شاهپورآباد (سده دوم یا سوم هجری)، محراب سنگی مسجد الخارسکی بغداد (سده دوم هجری) و محراب مسجدجامع قروه (سده پنجم هجری)

(سجادی، ۱۳۷۵: ۶۷-۹۰) هستند. اما شاید بتوان شبیه‌ترین محراب به لحاظ فرم به محراب مسجد جامع کاشان را محراب سه‌وجهی مکشوف در تپه مدرسه نیشابور (همان: ۷۰) دانست. هرچند این محراب در ابعادی کوچک‌تر و بسیار ساده‌تر از محراب مسجد جامع کاشان است، اما نکته جالب توجه آن است که در هر دو محراب، فضای درونی فرم سه‌وجهی تورفتگی عمیقی نسبت به سطح بیرونی دارد.

۵. تاریخ‌گذاری محراب

براساس آنچه تا اینجا مطرح شد، هرچند محراب مسجد جامع کاشان از جهات گوناگون قابل مقایسه با تعداد زیادی از محراب‌های گچ‌بری ایران است، براساس ویژگی‌های ظاهری و تزئینی آن، نمی‌توان آن را با دلایل مستند مربوط به دوره‌ای خاص دانست. تزئینات، کتیبه‌ها، رنگ‌آمیزی و فرم محراب هیچ جهت‌دهی خاصی برای تاریخ‌گذاری نمی‌دهند.

برای تاریخ‌گذاری محراب مسجد جامع کاشان باید این نکته را در نظر گرفت که با وجود تلاش‌هایی که تاکنون برای دسته‌بندی محراب‌های گچ‌بری شده است، همچنان هیچ‌کدام از بررسی‌ها و پژوهش‌ها نتوانسته‌اند معیاری دقیق و جامع برای دسته‌بندی تاریخی این محراب‌ها ارائه کنند. همان‌گونه که در تحلیل محراب مسجد جامع کاشان نیز اشاراتی شد، نگارنده نیز تقسیم محراب‌های گچ‌بری به محراب‌های سلجوقی و ایلخانی را دربرگیرنده اشکالات و ایرادات اساسی می‌داند و به نظر می‌رسد صحیح‌تر آن است که سیر سبکی محراب‌های گچ‌بری، محدود به دگرگونی‌های سیاسی نشود.

براین اساس، با توجه به آنکه تحلیل و مقایسه محراب مسجد جامع کاشان، معیاری شاخص برای تاریخ‌گذاری ارائه نمی‌کند، به نظر می‌رسد بهتر آن است که تنها براساس همان تقسیم‌بندی ابتدای این بحث که شامل محراب‌های اولیه و محراب‌های سده ۶ تا ۸ هجری بود، این محراب را یکی از محراب‌هایی که از سده ششم تا سده هشتم هجری رواج داشته‌اند، به‌شمار آوریم.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش شد تا محراب مسجد جامع کاشان در سه گام برای نخستین بار به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد. این سه گام عبارت است از: ۱. توصیف ۲. مقایسه و تحلیل ۳. تاریخ‌گذاری. اجزای این محراب را می‌توان در سه طاق‌نمای مجزا مورد بررسی قرار داد که هر طاق‌نما شامل یک یا دو حاشیه، دو لیچکی، یک قوس طاق‌نما و فضای مرکزی طاق‌نما می‌شود. نکته قابل توجه درباره این طاق‌نماها آن است که هرکدام با یک تورفتگی از فضای پیرامونی خود

مجزا شده‌اند؛ بدین ترتیب این محراب در سه سطح ساخته شده است. استفاده از کتیبه‌های گوناگون از مهم‌ترین ویژگی‌های محراب مسجدجامع کاشان به‌شمار می‌آید؛ تا آنجا که می‌توان کتیبه‌نگاری را مهم‌ترین عنصر تزینی این محراب نامید که بیشترین نمود را در تزیینات این محراب به خود اختصاص داده است. جایگزینی این کتیبه‌ها از این قرار است: دو کتیبه کوفی در حاشیه طاق‌نمای اول و قوس طاق‌نمای دوم و دو کتیبه ثلث در قوس طاق‌نمای اول و حاشیه دوم طاق‌نمای دوم. استفاده از رنگ‌های مختلف، ویژگی مهم دیگر محراب مسجدجامع کاشان است. با وجود تخریب‌های گسترده، می‌توان بقایای استفاده از رنگ‌های آبی، نارنجی و قرمز را در اجزای مختلف محراب مشاهده کرد. فرم سه‌وجهی این محراب از جمله ویژگی‌هایی است که این محراب‌ها را در مقایسه با دیگر محراب‌های گچ‌بری ایران کاملاً متمایز می‌کند. هرچند نمونه‌های قابل‌مقایسه متعددی را برای این فرم می‌توان نام برد، سبک و اجرای آن در محراب مسجدجامع کاشان کاملاً منحصر به فرد است.

هرچند تحلیل و مقایسه محراب مسجدجامع کاشان دربرگیرنده نکات قابل‌تأملی است، به‌نظر می‌رسد با توجه به پژوهش‌های اندک حاضر، نمی‌توان با تکیه بر این اطلاعات، این محراب را به دوره‌ای خاص منسوب کرد. فقط می‌توان آن را در طبقه‌بندی کلی محراب‌های گچ‌بری سده ششم تا هشتم هجری قرار داد و البته این محراب را با وجود تخریب‌های گسترده از مهم‌ترین محراب‌ها در جریان هنری محراب‌های گچ‌بری این سده به‌شمار آورد.

برای تاریخ‌گذاری این محراب، لزوم استفاده از روش‌های تاریخ‌گذاری مطلق احساس می‌شود. همچنین بررسی محراب‌های کاشی، سنگی و چوبی برای یافتن نشانه‌ها و اطلاعاتی برای تاریخ‌گذاری نسبی دقیق‌تر می‌تواند راهگشا باشد.^۵

پی‌نوشت‌ها:

۱. نویسنده و سیاستمدار فرانسوی که با سمت وزیرمختار فرانسه در دوران مشروطه (۱۲۴۰ش) در ایران حضور داشت.
۲. یکی از زلزله‌های مهم کاشان در سال ۱۱۹۲ق اتفاق افتاد که ساختمان‌های بسیاری در جریان آن نابود شد و عده کثیری جان خود را از دست دادند (نیکوهمت، ۱۳۵۸: ۶۳).
۳. تکنیک آژیده‌کاری فن تزینی است که تشکیل‌یافته از تکرار یک نقش هندسی باشد. کاربرد اصلی این تکنیک روی نقشمایه‌های گچی است.
۴. واژه سه‌وجهی به این دلیل انتخاب شده است که این محراب با محراب‌های گشیزی تفاوت دارد.
۵. نگارنده در مقاله‌ای جداگانه که در دست چاپ است، به تفصیل به این موضوع پرداخته است.

منابع

- ارجمندفر، مسعود، و علی زمانی فرد، ۱۳۸۳، «شرح منار مسجدجامع کاشان»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، ص ۲۴۷-۲۵۱.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۷، *مرآت البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- اوین، اوژن، ۱۳۶۲، *سفرنامه و خاطرات اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران در آستانه جنبش مشروطیت*، ترجمه علی اصغر سیدی، تهران: زوار.
- بیرشک، ثریا، ۱۳۷۴، «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل گیری شهر کاشان در بستر تاریخ، ج ۱: از آغاز تا آخر دوره سلجوقیان»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
- پوپ، آرتور (۱۳۳۸). *شاهکارهای هنر ایران*. ترجمه پرویز ناتل خانلری، بنگاه علمی صفی علی شاه، تهران.
- حمیدی، بهرام، ۱۳۹۰، «آرایه‌های تزیینی گچ‌بری دوره سلجوقی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۱، ص ۸۸-۹۳.
- ساروخانی، زهرا، ۱۳۹۱، *کاشان قدیم به روایت تصویر*، کاشان: سوره تماشای.
- سجادی، علی، ۱۳۶۷، «هنر گچ‌بری در معماری اسلامی ایران»، *مجله اثر*، شماره ۲۵، ص ۱۹۴-۲۱۴.
- شکفته، عاطفه، ۱۳۹۱، «ویژگی‌های بصری شاخص تزیینات گچ‌بری معماری عصر ایلخانی»، *مطالعات معماری ایران*، شماره ۲، ص ۷۹-۹۸.
- _____، ۱۳۹۴، «مضمون کتیبه‌های قرآنی در محراب‌های گچی عصر ایلخانان»، *پژوهش‌های معماری اسلامی*، شماره ۸، ص ۱۰۴-۱۲۰.
- صاحبی بزاز، منصوره، ۱۳۸۹، «خط و مضمون کتیبه‌های محراب‌های گچ‌بری بناهای سلجوقی»، *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۱۳، ص ۸۸-۶۹.
- صالحی کاخکی، احمد، و حسام اصلانی، ۱۳۹۰، «معرفی دوازده‌گونه از آرایه‌های گچی در تزیینات معماری دوران اسلامی ایران براساس شگردهای فنی و جزئیات اجرایی»، *مطالعات باستان‌شناسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)*، شماره ۳، ص ۸۹-۱۰۶.
- عادل، محمد، و محمود سعید کلایه، ۱۳۸۷، *طرح مرمت و بازسازی مسجدجامع کاشان*، کاشان: سازمان میراث فرهنگی کاشان.
- گدار، آندره، یدا گدار، و ماکسیم سیرو، ۱۳۱۶، *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، جلد ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- نراقی، حسن، ۱۳۶۵، *تاریخ اجتماعی کاشان*، تهران: دانشگاه تهران.
- نیکوهمت، احمد، ۱۳۵۸، «زلزله‌های تاریخی کاشان»، *مجله وحید*، شماره ۲۶۱ و ۲۶۰، ص ۶۵-۶۲.
- یونسی بیدگلی، محسن، ۱۳۹۴، *باستان‌سنجی محراب گچ‌بری ضلع غربی شبستان شمالی*، مجموعه فرهنگی مسجدجامع کاشان. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- Pope, Arturupham 1930, *A survey of Persian art*, Vo. III, VIII Oxford University presses meiji - shobo Tokyo.
- Wilkinson, Charles E, 1986, *NISHAPUR Some Early Islamic Building and Their Decoration*, New York, the metropolitan museum of art.